

## مقایسه تحولات تاریخی شش صوت در دو زبان ایرانی (فارسی و بلوچی)

دکتر موسی محمود زهی

عضو هیئت علمی دانشگاه سیستان و بلوچستان

مطالعات زبان‌شناسی - به‌خصوص زبان‌شناسی تاریخی - نشان داده است که دو زبان فارسی و بلوچی از نزدیک‌ترین خویشاوندان به یکدیگرند. ریشه هر دوی آنها به زبان‌های ایرانی کهن‌تر چون ایرانی میانه و ایرانی باستان متصل‌گشته، و از طریق شاخه زبان‌های هند و ایرانی به خانواده فرضی زبان‌های هند و اروپایی می‌رسد.<sup>۱</sup>

مشاهده تفاوت‌های قانونمند در اصوات بعضی از کلمات مشترک این دو زبان، این پرسش را در ذهن زبان‌شناس ایجاد می‌کند که: «دلیل این تفاوت در چیست؟»

برای یافتن پاسخ این پرسش لازم است که تمام آواهای دو زبان فارسی و بلوچی از نظر تحول تاریخی در تمام جوانب مورد بررسی قرار گیرند.<sup>۲</sup> انجام چنین کاری از حوصله این نوشته خارج است. برای پرهیز از پراکندگی موضوع، در اینجا فقط به‌عنوان نمونه، به مقایسه تحول تاریخی شش صوت در این دو زبان خویشاوند پرداخته می‌شود. این شش صوت عبارتند از:<sup>۳</sup>

۱- «ب» در فارسی نو، گاهی معادل «پ» در بلوچی نو؛



۲- «د» در فارسی نو، گاهی معادل «ت» در بلوچی نو؛

۳- «ز» در فارسی نو، گاهی معادل «ج/چ» در بلوچی نو؛

۴- «ی» در فارسی نو، گاهی معادل «د» در بلوچی نو؛

۵- «او» در فارسی نو، گاهی معادل «ؤ» در بلوچی نو؛

۶- «ای» در فارسی نو، گاهی معادل «ئا» در بلوچی نو؛

اکنون به‌عنوان نمونه درباره هر کدام از موارد ششگانه فوق به‌ترتیب مثال‌هایی آورده

می‌شود. به اصواتی که به‌صورت خمیده نوشته شده‌اند، توجه نمائید:<sup>۴</sup>

(جدول ۱)

فارسی نو	بلوچی نو	
۱	šab/ asp	شب : šab
	tap	تب : tab
	aps	اسب : asb
	āp	آب : āb
۲	āzāt	آزاد : āzād
	Ko	کرد : kard
	pet	پدر : pedar
	dorwet	دروود : dorūd
۳	jan	زن : zan (= همسر)
	jata	زده (= اسم مفعول فعل زدن)
	rweč	روز : rūz
	pāč/ pač	باز : bāz
۴	pād	پای : pāy
	mwedag	مویه : mūye
	rwed	روی : rūy (= فلز روی)
	mud	موی : mūy
۵	kweh	کوه : kūh
	gweš	گوش : gūš
	rwed	رود : rūd
	dwest	دوست : dūst
۶	dye/ dyeb	دیو : dīv
	kyenag	کین : kīn
	nyem	نیم : nīm
	zyen	زین : zīn

اینک معادل کلمات ذکر شده به ترتیب موارد ۱ تا ۶ در زبان‌های ایرانی باستان (از جمله اوستایی و فارسی باستان) ارائه می‌گردند. به اصواتی که به صورت خمیده نوشته شده‌اند، توجه نمایید:



(جدول ۲)

بلوچی نو	فارسی نو	فارسی باستان	اوستایی	
šap	šab	Xšap	xšap-	۱
tap	tab	-	tafnav-	
aps/ asp	asb	-	aspa-	
āp	āb	āpi-	āp-	
āzāt	āzād	-	ā-zāta-	۲
kort/ kert	kard	Krta-	-	
pet/ peis	pedar	pitar-	pitar-	
dorwet	dorūd	-	drvatāt-	
jan	zan	-	jani-	۳
jata	zade	-	jantay	
rweč	ruz	raučah-	roačah	
pāč	bāz	āpāč	apač	
pād	pāy	pāda	pāda	۴
mwedag	mūye	*mauda-	-	
rwed	rūy	-	raoiōita-	
mūd	mūy	*mūda	-	
kweh	kuh	kaufa-	kaofa-	۵
gweš	gūš	gauša-	gaōša-	
rwed	rūd	rautah	-	
dwest	dūst	dauštar	-	
dyeħ/ dyeb	div	daiwa-	daeva-	۶
kyenag	kin	-	kaena-	
nyem	nim	-	naema-	
zyen	zin	-	zaena-	

با نگاهی به مثال‌های فوق درمی‌یابیم که در زبان‌های ایرانی باستان (از جمله اوستایی و فارسی باستان) اصوات ششگانه مذکور- که در اینجا به صورت خمیده نوشته شده‌اند- به اصوات بلوچی نو نسبت به اصوات فارسی نو شباهت بیشتری دارد. به عبارت دیگر، این اصوات در زبان فارسی نو نسبت به بلوچی نو بیشتر تحول یافته است.<sup>۵</sup>

بررسی واژه‌های فوق در دوره میانه زبان‌های ایرانی (از جمله زبان فارسی میانه) نشان می‌دهد که شش صوت فوق‌الذکر، حتی در دوره میانه به نحوی تحول یافته که تا حدی از اصل خود (یعنی زبان‌های اوستایی و فارسی باستان) دور مانده‌اند. در حالی که زبان بلوچی نو اصوات فوق‌الذکر را حتی بهتر از زبان‌های ایرانی میانه حفظ کرده است.<sup>۶</sup> برای مقایسه صورت‌های فارسی میانه و اوستایی و فارسی باستان به جدول دوم در همین نوشته مراجعه نمایید. مثال:<sup>۷</sup>

(جدول ۳)

فارسی باستان	فارسی میانه	فارسی نو	بلوچی نو
xšap-	šab	šab	šap
āpi-	āb	āb	āp
pitar-	pidar	pedar	pet
kṛta-	kird	kard	kort
raučah	rōz	ruz	rweč
apāč	abāz	bāz	pāč
pāda-	pāy	pāy	pād
*mauda-	mōyag	muye	mwedag
*mūda-	mōy	muy	mud
kaufa-	kōf	kuh	kweh
gauša-	gōš	guš	gweš
rautah-	rōd	rud	rwed
dauštar-	dōst	dust	dwest
daiwa-	dēw	div	dveh
اوستایی	فارسی میانه	فارسی نو	بلوچی نو
tafnav-	tab	tab	tap
aspa-	asp	asb	asp/aps
a-zāta-	Āzād	Āzād	āzāt
drvatāt-	drōd	dorūd	Dorwet
jani-	zan	zan	jan
jantay-	zadan	zadan	Jaten
raoidita-	rōd	rūy (فلز روی)	rwed
kaena-	kēn	kin	kyenag
naema-	nēm	nim	nyem
zaena-	zēn	zin	zyen

با مقایسه تحول اصوات کلمات در سه جدول ۱، ۲ و ۳، با پنج ستون زبان‌های (اوستایی، فارسی باستان، فارسی میانه، فارسی نو و بلوچی) درمی‌یابیم که زبان بلوچی نو، صورت باستانی اصوات را نسبت به فارسی نو و حتی فارسی میانه بیشتر حفظ کرده است.

به‌عنوان مثال صوت «P» در کلمه اوستایی - āp و در کلمه فارسی باستان - āpi که قدمتی در حدود ۳۰۰۰ سال و یا حتی بیشتر دارد، در فارسی میانه و فارسی نو به «b» تحول یافته است. در صورتی که همین صوت در زبان بلوچی نو هنوز به‌صورت «p» باقی مانده است (رجوع کنید به مورد ۱ در جدول ۱ همین نوشته). در موارد پنجگانه دیگر نیز تقریباً همین قانون صادق است.

یعنی:

- تبدیل «t» باستانی به «d» در فارسی نو، اما ابقاء آن در بلوچی (مورد ۲ جدول ۱).



- تبدیل «j,c» باستانی به «z» در فارسی نو، اما ابقاء آن در بلوچی (مورد ۳ جدول ۱).  
 - تبدیل «d,ḍ» باستانی به «y» در فارسی نو، اما ابقاء آنها در بلوچی به صورت «d» (مورد ۴ جدول ۱).

- تبدیل واکه‌های مرکب «ao-au» باستانی به واکه ساده «u» در فارسی نو، اما ابقاء آنها به آوا گروه «we» در بلوچی (مورد ۵ جدول ۱).

- تبدیل واکه‌های مرکب «ae-ai» باستانی به واکه ساده «i» در فارسی نو، اما ابقاء آنها به آوا گروه «ye» در بلوچی (مورد ۶ جدول ۱).

حفظ صورت‌های قدیمی‌تر اصوات زبان‌های ایرانی باستان توسط زبان بلوچی و تبدیل آنها به گونه‌های جدیدتر در فارسی میانه و نو، به اصوات کلمات شش مورد فوق ختم نمی‌شود، بلکه این قاعده تا حد زیادی برای اصوات دیگر، هم واکه‌ها و هم همخوان‌ها صادق است.

قاعده حفظ صورت قدیمی‌تر اصوات زبان‌های ایرانی باستان در بلوچی، یکی از ویژگی‌هایی است که این زبان را از بعضی جهات در بین زبان‌های ایرانی شمال‌غربی دیگر متمایز می‌سازد.<sup>۸</sup> به قول یوسف م. ارانسکی: «در میان زبان‌های ایرانی شمال‌غربی، نظام آوایی بلوچی به صورت قدیمی باقی مانده و دارای هشت مصوت با تقابل مبتنی بر کمیت است. به علاوه، بلوچی تنها زبان ایرانی شمال‌غربی است که انسدادی‌های بی‌واک و صامت‌های مرکب قدیمی را در جایگاه بعد از مصوت حفظ کرده است».<sup>۹</sup>

### نتیجه

زبان‌های فارسی نو و بلوچی نو که هر دو از زبان‌های ایرانی شمال‌غربی محسوب می‌شوند، از نزدیک‌ترین خویشاوندان به یکدیگرند. مطالعات نشان می‌دهد که در سیر تحول تاریخی اصوات زبان‌های ایرانی باستان به ایرانی میانه و ایرانی نو، زبان بلوچی نسبت به فارسی نو و حتی فارسی میانه صورت قدیمی‌تر بعضی از اصوات را، بیشتر حفظ کرده است. این ویژگی، زبان بلوچی را از جهاتی در بین زبان‌های ایرانی شمال‌غربی متمایز ساخته است. این ویژگی و بعضی از دیگر ویژگی‌های زبان بلوچی که در اینجا مجال بحث درباره آنها نیست، می‌تواند کمک بزرگی برای

یکی از نزدیک‌ترین خویشاوندان زبان بلوچی، یعنی زبان فارسی در زمینه مطالعات زبان‌شناسی باشد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای آگاهی از این موضوع، به جدول طبقه‌بندی زبان‌های هند و اروپایی در صفحه ۱۶۶۶ فرهنگ لغت «The Concise Oxford Dictionary» چاپ نهم، مراجعه نمایید.
  ۲. برای آگاهی از نمونه‌ای از این موضوع، به «فهرست مطالب» طرح تحقیقاتی خانم دکتر مهری باقری، دانشیار گروه فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه تبریز، تحت عنوان «بررسی تحولات تاریخی اصوات زبان فارسی»، سال ۱۳۷۱، مراجعه نمایید.
  ۳. نمونه‌های آوانویسی این شش صوت عبارتند از:  
 ب = p، د = d، ت = t، ز = z، ج = j، چ = č، ی = y، او = u، و = we، ای = i، ئ = ye
  ۴. مفهوم بعضی از علائم استفاده شده در این نوشته به شرح ذیل است:  
 \* : یقین حاصل نیست.  
 / : کلمه دارای گونه‌های مختلف است و همه گونه‌ها صحیح است.  
 ( ) : معادل، یعنی
  ۵. سابقه تاریخی زبان‌های ایرانی باستان به حدود ۳۰۰۰ سال پیش برمی‌گردد.
  ۶. سابقه تاریخی زبان‌های ایرانی میانه به حدود ۲۰۰۰ سال پیش برمی‌گردد.
  ۷. شیوه آوانویسی کلمات فارسی میانه به روش مشهور «مکنزی» است.
  ۸. در رده‌بندی زبان‌های ایرانی، زبان بلوچی در زمره زبان‌های ایرانی نو شمال‌غربی جای داده شده است.
  ۹. برای آگاهی از این موضوع، مراجعه کنید به: ارانسکی، یوسیف م، *زبان‌های ایرانی*، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۸، ص ۱۳۴.
- یادآوری: واژگان بلوچی از دایره واژگان اینجانب که خود یک گویشور ۴۲ ساله زبان بلوچی با گویش بُمپوری هستم، استخراج شده‌اند.

### منابع

- ابوالقاسمی، محسن، *تاریخ زبان فارسی*، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۷۳.
- ارانسکی، یوسیف م، *زبان‌های ایرانی*، ترجمه علی اشرف صادقی، تهران، انتشارات سخن، ۱۳۷۸.
- باقری، مهری، *بررسی تحولات تاریخی اصوات زبان فارسی*، طرح تحقیقاتی، تبریز، ۱۳۷۱.
- محمود زهی، موسی، *واژه‌نامه ریشه‌شناسانه زبان بلوچی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، بخش زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۰.
- Bartholomae Christian, *Altiranisches Wörterbuch*, Berlin, 1979.
- Della Thompson (Ed.), *The Concise Oxford Dictionary Of Current English*, Ninth Edition, 1995.
- Jackson, A. V. W., *Avesta Grammar*, Stuttgart, W. Kohlhammer, 1892.
- Mackenzie, D. N., *A Concise Pahlavi Dictionary*, London, Oxford University Press, 1990.